

این میزان بخش و تکرار نکرده‌اند. بنابراین این ژانر مخاطب خودش را پیدا کرده و مردم خیلی دوستش دارند و ما چرا ادامه ندهیم؟ ما در فصل سوم شام ایرانی رکورد سریال‌های داستانی‌ایی که همزمان بخش می‌شد و با ده، پانزده برابر بود چه ما ساخته می‌شد را شکستیم. در حال حاضر که شرایط بهتر است، هیچ کدام از قسمت‌های ما فقط در یک وی او دی زیر ده میلیون دقیقه و اچ تایم کلیک نخورده و این اتفاق خوبی است. البته ما هر چه جلوتر می‌رویم کار سخت‌تر می‌شود چون طبیعتاً هم تعداد مخاطبان مان زیاد می‌شود و هم سلیقه‌ها متنوع‌تر می‌شود، ضمن اینکه ما کار خلاقانه خواسته و تکرار گذشته را نمی‌خواهند، بنابراین ما هم در انتخاب باز یگرها وسواس بیشتری به خرج می‌دهیم. دیگر اینکه ما اوایل با خیلی از باز یگران تماس می‌گرفتیم و با توجه به ذهنیتی که در مورد «شام ایرانی» دوره‌های پیش داشتند این ریسک را نمی‌کردند که شرکت کنند اما در حال حاضر لیست بلند بالایی از باز یگرانی داریم که اظهار تمایل کرده‌اند تا در «شام ایرانی» و یا «مافیا» حضور داشته باشند و این اتفاق بسیار خوبی است. امیدواریم کارهایی بسازیم که ارزش محتوایی بیشتری داشته باشد تا مخاطب ما ضمن اینکه سرگرم می‌شود اندکی محتوا، آموزش و آشنایی با جنبه‌های مختلف فرهنگ و هنر ایران را نیز به دست آورد.

### گفتید که پیشنهاد ساخت کار کم‌دی داشته‌اید، احتمال ساخت آن در آینده وجود دارد؟

من طرح و فیلمنامه یک سریال داستانی جاسوسی را دارم که خودم آن را نوشته‌ام که هم حمایت‌کننده دولتی دارد و هم سرمایه‌گذار شخصی؛ منتها هنوز سرمایه‌گذار کافی برای آن جمع نشده تا بخواهد ساخته شود. امیدوارم برای این سریال جاسوسی که یک سریال نمایشی است سرمایه‌گذارها جمع شوند و ما بتوانیم آن را بسازیم. سریال کم‌دی هم پیشنهاد شده منتها من آن سریال خاص را دوست ندارم، یعنی سرمایه‌گذاری یک سریال کم‌دی را پیشنهاد کرد که من قصه‌اش را دوست ندارم اما با ساخت سریال کم‌دی مخالفتی ندارم. در واقع معتقدم که ما باید محتوا و سرگرمی‌های سالم و قابل استفاده در خانواده را برای بیننده تولید کنیم که در این موضوع خیلی ضعف داریم، یعنی محتوا بسیار کم داریم. به همین خاطر وقتی بیننده‌های ما با محتوای داخلی سرگرم نمی‌شوند به پلتفرم‌ها، ماهواره و به فیلم‌های خارجی مراجعه می‌کنند که طبیعتاً ممکن است آن‌ها نکات آموزنده و سرگرمی داشته باشند اما چون از فرهنگ ما دور هستند احتمال دارد که آسیب‌های فرهنگی هم ایجاد کنند.



کند و یا اگر کار سینمایی می‌کند حق ندارد که تیزر بسازد. همه هنرمندان و فیلمسازان دنیا همیشه بین این مسیرها در جریان هستند، یعنی بهترین باز یگرها و کارگردانان دنیا حتی انیمیشن هم دوبله می‌کنند. بزرگ‌ترین کارگردان‌های دنیا گهگاهی مستند می‌سازند، نه اینکه با مستند شروع کنند و به داستانی برسند بلکه وسط کارهای سینمایی‌شان مستند می‌سازند. بنابراین این این‌ها فرقی با هم ندارند و در واقع رتبه‌بندی ندارد که بگوییم من این کار را انجام می‌دهم و در آینده که رشد کردم به طور مثال آن کار دیگر را انجام می‌دهم. اگر اتفاق خوبی بیفتد ممکن است که سریال بسازم. قبل از «مافیا» پیشنهاد یک سریال نمایشی کم‌دی هم از جانب یکی از وی او دی‌ها بود که خیلی به آن فکر کردم اما موضوعش را دوست نداشتم و قبول نکردم. در حال حاضر مشغول ساخت «مافیا» هستیم و من به این ژانر علاقه دارم. این ژانر مخاطبان بسیار زیادی دارد و در حال حاضر دارد مخاطبانش را پیدا می‌کند. در واقع هر چه می‌گذرد مخاطب با این ژانر آشنا شده و به این سمت جذب می‌شود. تا به حال فکر می‌کردم که این نکته را بگویم یا نه و شاید امروز به این نتیجه رسیدم که در اولین مصاحبه آن را عنوان کنم. و آن اینکه، بعضی از قسمت‌های «شام ایرانی» که ما در حال حاضر بخش می‌کنیم در واچ تایم یعنی در تعداد زمان بازدید، رکورد خیلی از سریال‌های نمایشی شبکه خانگی را شکسته‌اند. نمی‌خواهم اسم بیاورم چرا که همکاران دلخوری می‌شوند اما مطمئن باشید که بیش از نیمی از قسمت‌های «شام ایرانی»، بیشتر از بسیاری از سریال‌های شبکه نمایش خانگی بازدید دارد و این بازدیدی هست که در وی او دی‌ها قابل محاسبه است. اینکه از طریق ماهواره و یا به صورت قاچاق هم دیده می‌شود اصلاً قابل محاسبه نیست. در واقع هفت، هشت شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان آنقدر که «شام ایرانی» را بخش کرده‌اند هیچ سریالی را به

### گفته بودید که برای افراد سیاسی یا اجتماعی هم این کار را می‌کنید، چه زمانی این اتفاق عملی می‌شود؟

راستش را بخواهید وقتی «شام ایرانی» را شروع کردیم با چند شخصیت سیاسی و شخصیت‌های بلند پایه‌ای مثل رئیس جمهورهای سابق و نماینده‌های سابق مجلس صحبت کردیم و من رضایت آن‌ها را جلب کردم که در این برنامه شرکت کنند. ما مشکل فنی هم نداشتم ولی فکر کردیم که ممکن است مخاطب آن را دوست نداشته باشد یعنی شاید علاقه دارد که باز یگر و هنرمند را در این ژانر ببیند. اینکه ما به خانه یکی از نمایندگان سابق مجلس و یا شهردار سابق و شخصیت‌های سیاسی بزرگ برویم و خانه و زندگی و شام آن‌ها را ببینیم؛ شاید بیننده احساس کند که این واقعیت ندارد و یک نوع ریاست و آن را پس بزند. بنابراین با اینکه همه کارها را انجام داده بودیم و با آن شخصیت‌ها به توافق رسیده بودیم در نهایت از انجام این کار پشیمان شدیم. البته این ایده هنوز وجود دارد و به آن فکر می‌کنیم. با آن شخصیت‌های سیاسی دوباره مذاکره می‌کنیم و اگر روزی فکر کنیم که مخاطب آن را پس نمی‌زند و احتمالاً این نوع را دوست دارد حتماً یک فصل را به این شکل تولید می‌کنیم.

### قصد ساخت مستند داستانی برای سینما ندارید؟ فکر می‌کنیم در جنس فیلمسازی نوع روایت محمد حسین مهدویان را ببینید، درست است؟

روایت محمد حسین مهدویان را برای مثال در «ایستاده در غبار» می‌پسندم و آن را دوست دارم. این فیلم در واقع به نوعی بازسازی مستند است. نمی‌گویم نه، چند بار شرایطش پیش آمده اما به سرانجام نرسیده‌است. راستش را بخواهید من بر خلاف خیلی از همکاران تفاوت زیادی در این ژانرها قائل نیستم، یعنی نمی‌گویم که اگر کسی مستند ساز است نباید سینمایی کار



بین سینمای داستانی یا سینمای مستند در چند دهه یک مرزی وجود داشت. اصلاً سینما با سینمای مستند متولد شد و بعد به سینمای داستانی رسیدیم و دوباره برگشتی به سینمای مستند داشتیم و حالا ژانری به نام ریلیتی شو وجود دارد که چیزی بین سینمای مستند و داستانی است. بنابراین ما در ریلیتی شو یک طرح پیچیده با سناریوهای موازی و مختلف داریم که هر لحظه هر کدامش ممکن است اتفاق بیفتد. این مساله در «رالی ایرانی» خیلی پیچیده‌تر بود